

طرح

محسن احمدوند
طراح



کلاه



یادی از پیر پژوهش گیلان استاد «فریدون نوزاد» در نخستین در گذشت

کارنامه ماندگار

دکتر هومن یوسفدی

پژوهشگر تاریخ و ادبیات گیلان

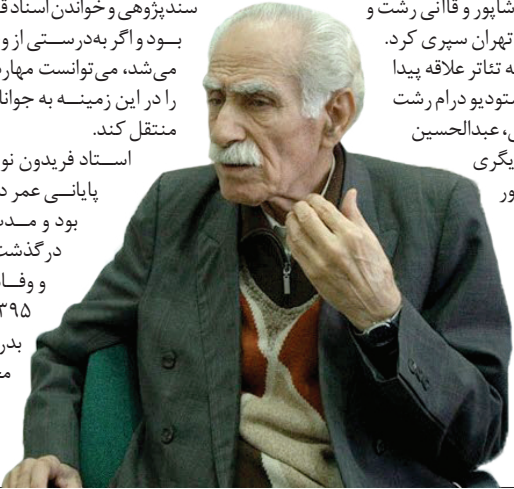


امتیاز روزنامه «انسان سوسیالیست» را دریافت کرد؛ ولی اندکی بعد با وقوع کودتای ۲۸ مرداد این روزنامه در همان سال لغو امتیاز شد. نام برده زمانی هم سردبیر هفته نامه صفدر بود و در ترانه سرایی هم دستی داشت.

استاد نوزاد تا پایان عمر پرپرکت خود به پژوهش های ادبی و تاریخی خود ادامه داد و آثاری ارزشمند و فرزندان برومند از خود به یادگار گذاشت. از آثار اوست: چهل تیکه، نامه های احمدخان گیلانی، تاریخ جراید و مجلات گیلان از آغاز تا عصر انقلاب، نقش احسان الله خان در جنبش جنگل، فرهنگ گیله گب و ده ها مقاله ادبی و تاریخی.

کتاب «نامه های خان احمدخان گیلانی» که شامل مجموعه نامه های آخرین حکمران کبابی گیلان است و به همت استاد فریدون نوزاد گردآوری و تدوین شد و در سال ۱۳۷۲ توسط بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار به چاپ رسید، به راستی اثری ارزشمند و ستودنی است. او نثری رسا و شیوا و پاکیزه داشت و دقت و موشکافی اش در مقالات تاریخی و ادبی او آشکار است. استاد نوزاد حافظه ای قوی داشت و راوی امین تاریخ معاصر ایران به خصوص گیلان بود و در سندی پژوهی و خواندن اسناد قدیمی نیز بی مانند بود و اگر به درستی از وجودش استفاده می شد، می توانست مهارت و استادی خود را در این زمینه به جوانان این مرز و بوم منتقل کند.

استاد فریدون نوزاد در سال های پایانی عمر در رشت ساکن بود و مدت کوتاهی پس از گذشت همسر محبوب و وفادارش در ۱۳ آبان ۱۳۹۵ در ۹۴ سالگی درود حیات گفت و مجالس بزرگداشت متعددی برای وی برگزار شد.



دکه

شاملودر سیاهکل در «دیلمان»

تازترین شماره مجله فرهنگی و اجتماعی «دیلمان» به مدیریت مسئولی و سردبیری مهدی بازرگانی منتشر شد. این شماره با تیترویی جلد «خاطراتی از شاملو در سیاهکل»، برپنده اصلی خود را به سفرهای احمد شاملو به شمال اختصاص داده و گزارش هایی از ایران گردی های شاملو در رشت، لاهیجان، سیاهکل و آستارا از زبان شاهدان و هم نشینان ارائه کرده است. گفت و گو با کریستیان برومیرزه، گیلان شناس فرانسوی درباره معماری، غذا و زندگی گیاهی در گیلان، سنگستان های گیلان، هزاره بزرگداشت ابن سینا و بیاتیه روزنامه نگاران، رشت، بهنام حق و عدالت؛ درباره اندیشه های محمدجعفر جعفری لنگرودی، ماجرای دو حسین کسمایی، نمایش زندگی در نامه های اکبر ادبی، سهراب سپهری و زاین، ناخوشی در جان محیط زیست گیلان، راه هایی برای حفظ زبان گیلکی، نوسازی یاسر کوب؛ سیاست های رضاخان در گیلان، توسعه وابستگی و در خودماندگی گیلان به همراه صفحاتی درباره اولین دوره جایزه ادبی مجله دیلمان، اهم عناوین این شماره است. شماره ۷ مجله دیلمان، در ۴۸۸ صفحه و به قیمت ۱۲ هزار تومان منتشر شده است.



به قول مردم گفتنی ۷

خنده ترس را می ترکاند

جواد مجابی

نویسنده و شاعر



۵۰ سال پیش، کتابی چاپ کردم به نام «یادداشت های آدم پرمدعا» که حاوی عبارات طنز آمیز بود و متوجه نقد اجتماعی آن روزگار. این سال ها دوباره بدان شکل نوشتاری برگشته ام و به مضامین ضروری این روزها پرداخته ام که در کتاب «بغل کردن دنیا» منتشر شده است. یادداشت های طنز آمیز تازه ای که به در روزنامه می خورد، در این ستون منتشر می شود.

- شجاعت امری نمایشی است و ترس حسی درونی نامرئی در همان آدم، کی گفته اینها دو منشأ متفاوت دارند؟
- گاهی بی اطلاعی ما شجاعت دیگران را ترس آنها تلقی می کند و به عکس. وای از ترکیب دآوری و ناگاهی.
- به او که شجاعت های مراهبه قصد چاپلوسی یا خوشامد می ستود، گفت: کاش تیرلرزه های مرا به هنگام ابراز بی باکی های می دیدی. گفت: اختیار دارید. عیار تیر نشان نمی داد که او قانع شده است یا به تملق ادامه می دهد.

- در آره، ترس های خود را در کشوی میز من پنهان می کردم، زینده رئیس نیست که وقار خود را از دست بدهد. موقع تعطیل آدره ترس هایم را دوباره محایل می کردم و مثل شهروندی عادی از هر چیز و هر کس می ترسیدم.

- در آن آره بنا به ضرورت چندان در نقش رئیسی خشن فرورفته بودم که در خلوت از خود هم می ترسیدم.

- از روبه رو شدن با واقعیت وجودی من می هراسیم. طبیعی است. اما چرانی خندیدم به خود در این رویارویی؟

- خنده ترس را می ترکاند و ترساننده را هم. آنکه به هر بهانه دیگری را می ترساند، می خواهد خود را جدی تر از دیگران بنمایاند، وقتی با دلایل یابی دلیل به اش بخندی، متوجه می شود یخش نگرفته، یخش آب می شود.

- ترس های ما دو نفر حرکت کردند از ما. چون روی ریل مقطعی حرکت می کردند، تصادم آنها خطرناک تر شد.

- کسی را ندیدم که نام ترس خود را نگذارد در رفتار عقلانی، مصلحت اندیشی، عاقبت نگری، دستکم احتیاط.

- یک چمدان ترس های خود را آورد و در اتاق مادرش را باز کرد.

- هر یک به رنگی و اندازه ای بود. ما هر کدام یک تکه از ترس های او را برداشتیم و پوشیدیم. حتی لباس تنش را هم مناسب یافتم.

- برهنه بیرون رفت و گرفتندش. آمده بود ما را بترسانند از موقعیت خودش. تمامی ترس های خود را به ما عرضه کرد. بین آن همه ترس هایش، یک مورد واقعی وجود نداشت. نخواستیم یا نتوانستیم کمکش کنیم. امید شدم از ما و بلند شد رفت. بعدها شنیدم در دادگاه تمامی تلاشش معطوف این بود که واقعی بودن آن ترس ها روابطشان را با خود انکار کند. قضات باور نکرده بودند. به خاطر تمامی چیزهایی که از آنها می ترسید. بعد انکارشان کرده بود- محکوم و معدوم شد.

- یک کوه وارد حیاط خانه شد، کوهی از ترس. گفتیم این نماد ادبی خوبی نیست. گفت: می بینی که شده. گفت: شاید بهتر بود دریایی از ترس شده بودی. کوه بیرون رفت و دریایی باز آمد، خانه مان روی آب ویران شد.



موزه او در دودر مغلستان



مرکز فرهنگی حیدر علی اف در آذربایجان. زها حدید این بنا را هم طراحی کرده بود



مرکز تفریح و سرگرمی خان شاطر در قزاقستان. این مرکز به شکل خیمه طراحی شده است



موزه هنرهای معاصر، کالیاری، ایتالیا. براساس طرح زها حدید، معمار قزاق و سوئیس شانس عراقی الاصل ساخته شد

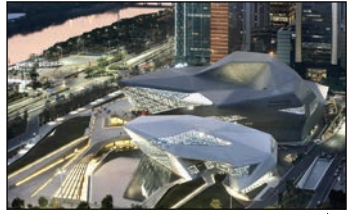


موزه هنرهای معاصر در چین

کردند. اخیرا و در خلال روزهای برپایی نمایشگاه ماشین تریو، روزنامه آساهی آن کشور به مرور برخی آثار درخشان این مکتب هنری پرداخته است.

طبیعتا چاپ تمام تصاویر آن اماکن زیبا در یک صفحه روزنامه نمی گنجد، اما تماشای همین چند عکس و خواندن شرح عکس آنها می تواند بخشی از آن عیش مدامی باشد که شرحش در وصف نمی گنجد.

پی نوشت: عنوان، برگرفته از کتابی است به همین نام نوشته مارو یو یاس پوسا.



ایرایی گوانزو در چین



موزه کوئنج هاوس در آرتیش که به شکل ماهرانای میان ساختمان های قدیمی بنا شده است



سالن ایرایی هاربین در چین



برر آگورا گاردن در تایبه



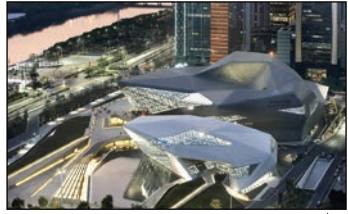
میزبان گرچستان و ترکیه

روزنامه آساهی بهترین های معماری مدرن جهان را بررسی کرد

عیش مدام

حالا دیگر یکی از جذاب ترین جنبش های معماری دنیا به شمار می روند، ولی اوایل قرن بیستم چنین نبود و جملگی منتقدان به دلیل حمایت فعالان این مکتب معماری از نگرش های فاشیستی، پرداختن باید به آینده توجه کنیم و این قدر در بند گذشته

حالا دیگر یکی از جذاب ترین جنبش های معماری دنیا به شمار می روند، ولی اوایل قرن بیستم چنین نبود و جملگی منتقدان به دلیل حمایت فعالان این مکتب معماری از نگرش های فاشیستی، پرداختن باید به آینده توجه کنیم و این قدر در بند گذشته



ایرایی گوانزو در چین



موزه کوئنج هاوس در آرتیش که به شکل ماهرانای میان ساختمان های قدیمی بنا شده است



سالن ایرایی هاربین در چین



برر آگورا گاردن در تایبه



میزبان گرچستان و ترکیه

روایت یک تصویر

تبعید بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران به ترکیه

رضا سلیمان نوری

روزنامه نگار



۱۳ آبان یکی از تاریخی ترین روزهای انقلاب اسلامی ایران محسوب می شود. در این روز، سه واقعه مهم در سال های ۱۳۴۲، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ششمی رخ داده است که هر کدام صفحهای نو در مبارزات مردم ایران علیه سه گانه استبداد، استعمار، استعمار باز کرده است. البته در این بین، واقعه رخ داده در سال ۱۳۴۲ جایگاه خاصی تری دارد زیرا اگر این اتفاق رخ نمی داد، شاید هیچ گاه قیام ملت ایران علیه پهلوی دوم بدان گونه پیش نمی رفت که وقایع سال های ۱۳۵۷ و ۵۸ رخ دهد. سرگناه ۱۳ آبان ۱۳۴۲ ششمی بود که کماندوهای مسلح اعزامی از تهران به پهنانه مخالفت امام خمینی با لایحه «مصونیت سیاسی و کنسولی اتباع آمریکایی در ایران» موسوم به کاپیتولاسیون، ابتدا منزل ایشان در قم را محاصره و سپس ایشان را بازداشت کردند. بازداشتی که ساعتی بعد با انتقال مستقیم امام خمینی به فرودگاه مهر آباد تهران و سپس انتقال ایشان به آنکارا با یک فرزند هوایمی نظامی از قبل آماده شده آغاز گردان تبعید ۱۴ ساله ایشان بود. دورانی که یازده ماه نخست آن در ترکیه با شرایط بسیار ویژه ای همراه بود. در این دوره زمانی محدودیت های اعمال شده بر امام خمینی بسیار بیشتر از دوره تبعید ایشان به نجف اشرف بود. این محدودیت ها هم از سوی سازمان امنیت ترکیه یعنی میت و هم از سوی مأموران رسمی و مخفی سلواک ایران اعمال می شد. امام خمینی در ابتدای تبعید به ترکیه در هتل بلوار پالاس آنکارا استقرار پیدا کرد اما تنها یک روز بعد و برای مخفی نگاه داشتن محل اقامت، ایشان را به محلی واقع در خیابان آتاتورک منتقل کردند. چند روز بعد نیز سومین جابه جایی صورت گرفت و برای منزوی تر کردن ایشان و قطع هر گونه ارتباطی با او راه شهر بورسوا، واقع در ۴۶۰ کیلومتری غرب آنکارا منتقل کردند. البته نکته قابل توجه در این بین، حساسیت هر دو سازمان امنیت ترکیه و ایران بر نحوه لباس پوشیدن امام خمینی بود. این حساسیت به قدری شدید بود که ایشان را از پوشیدن لباس معمول روحانیت شیعه یعنی عبا و عمامه منع کرده بودند. بهمین دلیل امام خمینی هنگام خروج از منزل از پالتوی بلند و مشکی روحانیون و علمای مذهبی ترکیه استفاده می کرد. عکس روبه رو یکی از معدود عکس های دوران حضور امام خمینی در بورسوا ترکیه است که ایشان همین لباس را بر تن دارد.



امام خمینی (ره) در لباس تحمیلی رژیم ترکیه

در آینه

درباره محمدنوید کرمانی

از تبار ایرانیان برنا و برومند

غلامرضا امامی

نویسنده و مترجم



در سفر به نمایشگاه کتاب فرانکفورت آلمان از بخت خوش، توفیق رفیق شد و گفت و گویی با محمدنوید کرمانی در میان آمد. سالهاست که با نام او آشنا هستم و آلمانی هاییش از ما او را می شناسند و برای این ایرانی تبار، حرمت و احترام ویژه ای قائلند. او که نامش چندی پیش در میان کاندیداهای ریاست جمهوری آلمان از سوی حزب سبزها بر سر زبان ها آمد، در پی کودتای نتگین ۲۸ مرداد ۳۲ علیه حکومت ملی زنده یاد دکتر محمد مصدق، پدر مادرش که در اصفهان می زیستند به آلمان مهاجرت کردند و از آنجا که پدرش مهری عمیق به زنده یاد مهندس مهدی بازرگان داشت، میزبان وی در سفرهایش به آلمان بود.

محمدنوید کرمانی به سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۸) در چنین خاندانی ملی و مذهبی زاده شد و بالید از ۱۵ سالگی به نوشتن در روزنامه های آلمانی پرداخت و تحصیل در رشته های شرق شناسی، فلسفه و تئاتر را در کلن و فاهره پی گرفت و چندی بعد با کتابون امیر پور، بانوی فرهیخته و پژوهشگری ارزنده پیوند مهر بست؛ همدل و همراهی که سال ها در کنار اوست. چندی پیش وی به نجف سفر کرد و گزارشی خواندنی و ماندنی از دیدارشان با آیت الله سیستانی را شرح داد. برای پژوهشگران نام وی با شاهکارش، کتاب یگانه «خدا زیباست» سخت آشناست. خوشحالم که در این فرصت، به آگاهی هم میهنان عزیزم بر سرانم که با رخصت وی، این کتاب از سوی انتشارات قلم به فارسی منتشر خواهد شد.

با محمدنوید کرمانی که به زودی برای نشر و ترجمه یکی از کتاب هایش به ایتالیا سفر خواهد کرد، دیداری خواهم داشت. گزارشان آن دیدار و گفت و گو را به یاری خدا برای ایرانیان، بازخواهم گفت. همزمان با آغاز نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت، از ساسا ۱۹۵۰، جایزه صلح ناشران آلمانی نیز بر آرج و اهمیت این میعادگاه جهانی کتاب می افزاید. این جایزه دوسال پیش، به او پیشکش شد. کرمانی در مراسم دریافت این جایزه که در کلیسای پاولوس فرانکفورت برگزار شد، سخنرانی تاریخی پرشوری ایراد کرد. در این سخنرانی، چندبار با صدایی بغض آلود تا استانه گریستن پیش رفت. رسانه های آلمان سخنرانی او را «بی نظیر» و «تحریک بخش» خواندند. وی در این سخنرانی به دفاع از مهاجران و پناهندگان بی پناه پرداخت و خواست تا میان جهان اسلام و مسلمانان بنیادگرا تفاوت و تمایز بگذارد. وی از مسلمانان نیز خواست که علیه دولت اسلامی «داعش» به پا خیزند. او گفت: این جنگ اسلام علیه غرب نیست، بلکه اسلام بیشتر جنگی علیه خویش را به پیش می برد.

او در پایان سخنرانی از حضار خواست تا برایش کف زنی بلکه برای قربانیان جنگ و خشونت و تروری که به نعام اسلام می دهد دعا کنند. وی از آنانی که به دعا اعتقاد ندارند نیز درخواست کرد که در دل خود، رهایی و نجات این قربانیان را آرزو کنند. انبوه جمعیت به پا خواستند و در سکوتی مطلق دعا و آرزو کردند. در پایان مخاطبان نتوانستند از ابراز احساسات خودداری کنند و به احترام وی دقایقی بی شمار کف زدند. مادر آینه، فرزندانی برنا و برومند زاییده و می زاید، محمدنوید کرمانی یکی از آنان است که ریشه و زادگاه خویش اصفهان را هرگز از یاد نبرده است... دکتر محمدنوید کرمانی گرمای متشکریم...